

پیام پادشاه عربستان به رهبر انقلاب تقدیم شد

تأکید سعودی بر گسترش روابط و همکاری در تمام زمینه‌ها با ایران

بن‌سلمان در تهران



خوانشی چندلایه از سفر خالد بن سلمان به ایران

از رقابت به موازنه

■ **سایه جنگ، دغدغه بقا؛ ملاحظات امنیتی ریاض در برابر تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران**
در تحلیل سفر خالد بن‌سلمان به تهران، نمی‌توان از متغیر امنیتی در حال تشدید در منطقه چشم پوشید، بویژه در شرایطی که تهدیدهای مکرر رژیم صهیونیستی و مقامات آمریکایی علیه ایران، دوباره فضای منطقه را به سمت سناریوهای تقابلی سوق داده است. اگرچه عربستان در سال‌های گذشته کوشیده از تنش مستقیم با ایران فاصله بگیرد اما تحولات اخیر نشان داده هرگونه حمله احتمالی آمریکا یا رژیم صهیونیستی به ایران، الزاما یک منازعه دوجانبه نخواهد بود. ایران در ماه‌های اخیر به‌روشنی اعلام کرده واکنش به هرگونه تجاوز نظامی، تنها به منبع حمله محدود نمی‌ماند، بلکه شامل همه پایگاه‌های نظامی آمریکایی در منطقه نیز خواهد شد، از جمله خاک کشورهای میزبان. در این میان، عربستان با میزبانی از پایگاه‌های متعدد نظامی آمریکا، طبعاً در زمره نخستین اهداف قرار می‌گیرد. برای ریاض، این مساله نه صرفاً یک تهدید امنیتی، بلکه مسالهای مربوط به بقا و توازن داخلی نیز هست. احتمال کشیده شدن خاک عربستان به یک جنگ منطقه‌ای، برای مقامات سعودی به مراتب پرهزینه‌تر از اختلافات سیاسی با تهران است. به همین دلیل، گفت‌وگو با ایران از زاویه سعودی‌ها، دیگر نه در چارچوب «رقابت ژئوپلیتیک»، بلکه به عنوان نوعی بیمه‌نامه بازدارندگی در برابر بحران‌های احتمالی مطرح است.

از سوی دیگر، نکته‌ای که زمان‌بندی این سفر را معنادارتر می‌کند، سفر قریب‌الوقوع ترامپ به عربستان است، آن‌هم در حالی که مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا به واسطه میانجی‌گری عمان در جریان است. ریاض که بخوبی با خلق‌و‌خوی غیرقابل‌پیش‌بینی ترامپ آشناست، می‌داند تشدید لفاظی‌های نظامی از سوی کاخ سفید، بیش از آنکه توازن منطقه‌ای را حفظ کند، ممکن است اوضاع را به سوی انفجار سوق دهد. سفر خالد بن‌سلمان به تهران، دقیقاً در آستانه ورود ترامپ به ریاض، نوعی پیام پیشگیرانه نیز هست؛ پیام اینکه سعودی‌ها در برابر ماجراجویی‌های احتمالی واشنگتن، به دنبال باز کردن کانال‌هایی برای خنثی‌سازی تنش هستند. به بیان دیگر، این سفر را می‌توان تلاشی برای حفظ امنیت در شرایطی دانست که طرف آمریکایی امنیت دیگران را گروگان منافع خود کرده است، در چنین بستری، گفت‌وگو با تهران، حتی اگر همه اختلافات را حل نکند، می‌تواند دست‌کم، موازنه‌ای از احتیاط را میان ۲ سوی خلیج‌فارس برقرار کند و این برای ریاض، در این مقطع، یک دست‌آورد بزرگ به شمار می‌آید.

■ **بحران غزه، افکار عمومی منطقه و ضرورت بازآرایی در روابط عربی**
یکی از بسترهای مهم سفر خالد بن‌سلمان به تهران، تحولات جاری در فلسطین بویژه بحران غزه است؛ بحرانی که ابعاد انسانی و سیاسی آن، عربستان را در موقعیتی دشوار در قبال افکار عمومی منطقه قرار داده است. جنگی که با حمله بی‌سابقه رژیم صهیونیستی به غزه آغاز شد، نه‌تنها به فاجعه‌ای انسانی بدل شده است، بلکه موجی از خشم و مطالبه‌گری در میان ملت‌های عربی و مسلمان نسبت به رویکرد دولت‌های‌شان نسبت به مساله فلسطین ایجاد کرده است. عربستان سعودی که تا پیش از جنگ غزه، در آستانه نهایی‌سازی توافق عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی قرار داشت، با فشار افکار عمومی و پیچیده شدن معادلات منطقه‌ای، ناگزیر از عقب‌نشینی تاکتیکی شد. این عقب‌نشینی اما نمی‌توانست صرفاً در سطح تبلیغات باقی بماند. سفر خالد بن‌سلمان به تهران را باید در این چارچوب نیز تحلیل کرد؛ تلاش برای ترمیم چهره عربستان در افکار عمومی منطقه و ارسال پیامی مبنی بر بازگشت به اولویت‌های عربی و اسلامی. در این میان، مقاومت فلسطین به عنوان بازیگر

«خالد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان سعودی عصر پنجشنبه در دیدار با رهبر حکیم انقلاب اسلامی پیام پادشاه این کشور را تقدیم حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار تأکید کردند: اعتقاد ما این است که ارتباط میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان برای هر ۲ کشور مفید خواهد بود و ۲ کشور می‌توانند تکمیل‌کننده یکدیگر باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه گسترش روابط ۲ کشور دشمنانی دارد، خاطر‌نشان کردند: باید بر این انگیزه‌های خصمانه فائق آمد و ما در این باره آماده هستیم.

ایشان با اشاره به برخی پیشرفت‌های ایران گفتند: جمهوری اسلامی آماده است در این عرصه‌ها به عربستان سعودی کمک کند.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اینکه برادران در منطقه با هم همکاری داشته باشند و به یکدیگر کمک کنند بسیار بهتر از تکیه به دیگران است.

در این دیدار که سردار سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح نیز حضور داشت، «خالد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان با اظهار خرسندی فراوان از این دیدار گفت: من با دستور کار گسترش روابط با ایران و همکاری در تمام زمینه‌ها به تهران آمده‌ام و امیدوارم گفت‌وگوهای سازنده انجام‌شده، روابط قوی‌تر از گذشته میان عربستان و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند.

در این دیدار که سردار سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح نیز حضور داشت، «خالد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان با اظهار خرسندی فراوان از این دیدار گفت: من با دستور کار گسترش روابط با ایران و همکاری در تمام زمینه‌ها به تهران آمده‌ام و امیدوارم گفت‌وگوهای سازنده انجام‌شده، روابط قوی‌تر از گذشته میان عربستان و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند.

یک اقدام ضروری برای مدیریتی بحران در خط مقدم منافع سعودی‌هاست. از همین‌رو، سفر خالد بن سلمان را می‌توان در متن نگرانی عربستان از ورود به جنگی ناخواسته با مختصاتی جدید تحلیل کرد؛ جنگی که در آن نه خطوط مقدم مشخص است، نه پایانی روشن. اگر پیش‌تر هدف، مهار ایران در مرزهای نفوذ منطقه‌ای‌اش بود، امروز حفظ فاصله با شعله‌های جنگی است که هر لحظه ممکن است از سواحل یمن یا تنگه باب‌المندب به خاک عربستان برسد.

برای ریاض، بازگشت به وضعیت تقابل با تهران صرفاً یک تصمیم سیاسی نیست، بلکه مسالهای است که با محاسبه هزینه‌های اقتصادی، امنیتی و اعتبار بین‌المللی گره خورده است. تجربه حمله محدود به تأسیسات آرامکو در ۲۰۱۹ نشان داد حتی یک حمله کوچک می‌تواند بازار جهانی نفت را به آشوب بکشاند و پروژه‌هایی مانند نئوم را تحت‌الشعاع قرار دهد. در چنین فضایی، هر زمزمه درگیری جدید، می‌تواند هزینه‌هایی چند برابر برای عربستان به همراه داشته باشد، بنابراین سعودی‌ها به جای تشدید تنش، می‌کوشند از مسیر گفت‌وگو با تهران از انفجار ناخواسته بحران جلوگیری کنند.

به این ترتیب، ریاض درصدد است معادله امنیتی جدیدی را تعریف کند؛ معادله‌ای که ایران نه دشمن مطلق در آن باشد و نه متحد، بلکه یک متغیر کلیدی در مسیر اجتناب از درگیری گسترده‌تر باشد. چنین چرخشی، بیش از آنکه نشانه‌ای از نزدیکی راهبردی باشد، گواهی است بر رشد نوعی واقع‌گرایی در سیاست منطقه‌ای عربستان؛ واقع‌گرایی‌ای که حالا میان تهران و ریاض، کانال‌هایی باز کرده تا شاید بحران‌های منطقه، پیش از آنکه منفجر شوند، قابل حل باشند.

سفر وزیر دفاع عربستان سعودی به تهران، فارغ از جنبه‌های دیپلماتیک، حامل مجموعه‌ای از پیام‌های آشکار و نهان بود که در بستر پیچیده تحولات منطقه معنا می‌گیرد. از یک‌سو، سعودی‌ها دیگر تداوم وضعیت بدون تعامل با تهران، نه‌تنها منافی برای‌شان ندارد، بلکه در شرایط سیال فعلی، آنها را به حاشیه تصمیم‌سازی‌های بزرگ منطقه‌ای سوق می‌دهد؛ چه در سوریه، چه در یمن و چه در معادلات بزرگ‌تری همچون بازتعریف نظم امنیتی خلیج‌فارس.

از سوی دیگر، زمان‌بندی این سفر، در آستانه حضور ترامپ در عربستان، خود حامل نوعی پیش‌دستی دیپلماتیک است. سعودی‌ها می‌دانند سیاست آمریکا در قبال ایران، فارغ از فشارهای رسمی، اساساً بر منافع اولویت‌های لحظه‌ای کاخ سفید سوار است. در این میان، آنچه به طور مستقیم امنیت و ثبات عربستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه مواضع بیانیه‌ای مانند آمریکا، بلکه تصمیمات واقعی ایران در مواجهه با تحرکات نظامی است و این تصمیمات، تنها از مسیر گفت‌وگو و مدیریت تنش قابل پیش‌بینی خواهد بود.

هم‌زمان، سایه ترکیه و قطر در پرونده‌هایی نظیر سوریه نیز باعث شده ریاض نسبت به واگذاری کامل زمین بازی به این محور، احساس خطر کند. سفر به تهران، در چنین مختصاتی، نوعی تنظیم مجدد نقش عربستان در معادلات منطقه‌ای به شمار می‌رود. ریاض دیگر نه مایل است و نه قادر است همه کارت‌های خود را بر سر رقابت ایدئولوژیک با ایران هزینه کند، بویژه در دورانی که واقع‌گرایی ضامن بقاست، نه بلندپروازی. در آخر، این سفر را می‌توان تلاشی از سوی عربستان برای دستیابی به یک «فرمول بازدارندگی متقابل» با تهران دانست؛ فرمولی که نه در دوستی استوار است و نه بر دشمنی صرف، بلکه مبتنی بر درکی متقابل از موازنه تهدید و منافع مشترک است. اینکه این فرمول تا کجا پیش خواهد رفت، هنوز روشن نیست اما همین که سعودی‌ها در برهه‌ای چنین حساس، مسیر تهران را برگزیده‌اند، نشانه‌ای روشن از درهم ریختن معادلات سنتی منطقه‌ای و آغاز فصل جدیدی از دیپلماسی واقع‌گرایانه در خلیج‌فارس است.

شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۴

وطن‌امروز | شماره ۴۲۹۵

سیاسی

دست دوستی سعودی



و منطقه‌ای، قابل تصور است که ریاض به دلیل روابط مستحکم با واشنگتن و ترمیم مناسباتش با تهران در طول سال‌های اخیر، در پی ایفای نقش در جایگاه میانجی‌گر میان تهران و واشنگتن بر آمده باشد.

بدون تردید وقوع هر گونه درگیری میان تهران و واشنگتن حتی با وجود اعلان رسمی بی‌طرفی اعراب، پیامدهای وسیع امنیتی نظیر رشد و نمو جریان‌های تروریستی، ناامنی در مسیر انتقال نفت، تشدید بی‌ثباتی در آب‌راه‌های بین‌المللی نظیر دریای سرخ، سقوط سهام کشورهای منطقه و ... را به تمام کشورهای همسایه تحمیل خواهد کرد، از همین رو ریاض با افزایش تحرکات دیپلماتیک خویش، در پی ممانعت از چنین رخدادی است.

البته نباید فراموش کرد عربستان از مخالفان اصلی برجام بود. این کشور اکنون طرفدار مذاکرات، توافق و کاهش تنش میان ایران و آمریکاست. در واقع این موضوع نیز نمادی از چرخش عربستان از مواضع خود علیه ایران است.

■ **درس عبرت از جنگ یمن**

آوریل ۲۰۲۲ را می‌توان نقطه عطفی در مناسبات حاکم بر شبه‌جزیره عربستان قلمداد کرد؛ مقطعی که در آن رژیم سعودی پس از ۸ سال حملات بی‌وقفه به یمن، با موافقت ضمنی تهران، از در آتش‌ش با انصارالله درآمد. ترمیم روابط سعودی با تهران و بازگشایی سفارتخانه‌ها یک سال پس از آتش‌بس یمن، محمد بن‌سلمان را به چرخش در مواضعش در قبال تهران واداشت. دولت سعودی که تا پیش از آن با اتکا به حمایت آمریکا، سیاست خصمانه‌ای را در قبال تهران اتخاذ کرده بود، در مسیر گفت‌وگو و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای گام‌نهاد. تغییر رویکرد ریاض از آن رو حائز اهمیت است که با وجود تشدید حملات انتلاف به رهبری آمریکا به مواضع یمنی‌ها در طول هفته‌های اخیر، مقامات سعودی از حمایت از حملات آمریکا علیه حوثی‌ها امتناع ورزیده‌اند.

قابل تصور است که ملک سلمان در نامه‌اش به رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیشنهاد مصالحه در منطقه از طریق گفت‌وگو و مشارکت راهبردی با تهران را مطرح کرده باشد. فارغ از جالش حاکم بر یمن که به چندپارگی و تضعیف تمامیت ارضی این کشور منتهی شده است، پرونده‌های لبنان (بویژه پس از انعقاد آتش‌بس)، عراق و آینده سوریه با دیگر موضوعاتی است که طرفین می‌توانند با توجه به نفوذ خویش در کشورهای یاد شده، بدون مداخله بیگانه‌گان در پی چاره‌جویی بر آیند.

■ **چاره‌جویی برای بحران غزه توأمان با ابطال پروژه سازش میان ریاض و تل‌آویو**

از زمان انعقاد توافق آبراهام در اگوست ۲۰۲۰، دولت‌های یابدن و ترامپ، هم خویش را بر برقراری مناسبات دیپلماتیک میان عربستان و رژیم صهیونیستی قرار دادند. جایگاه خطیر ریاض به منزله پیشقراول رهبر جهان عرب، موجب شده برقراری سازش میان ریاض و تل‌آویو به منزله پذیرش کامل حکومت اشغالگر صهیونیستی در جهان اسلام ازبایی شود. به باور نگارنده، سفر خالد بن‌سلمان به ایران در ببحوه تنش‌های لفظی و نظامی حاکم بر منطقه، پیامی روشن به ایالات‌متحده خواهد داشت؛ پیامی که در آن، عربستان به وضوح گفت‌وگو و مصالحه با همسایه بزرگش (ایران) را به برقراری مناسبات با رژیم صهیونیستی (به‌رغم خشم واشنگتن) ارجح قلمداد کرده است.

عدم همراهی ریاض با فشارهای شدید غرب علیه روسیه و انعقاد تفاهم‌های راهبردی با چین، بیانگر صحت این دیدگاه است. در این میان همسایگی سعودی با ایران و اثرپذیری ریاض از هر گونه رخداد امنیتی در خلیج‌فارس، مقامات سعودی را به اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه سوق داده است.

مساله فلسطین و بی‌اعتنایی کاخ سفید به حقوق حقه فلسطینیان و تلاش برای کوچ اجباری آنان به خارج از باریکه غزه که عملاً به عنوان خط پلاتزی بر تئوری دودولتی مورد تأیید سازمان ملل به حساب می‌آید، بیش از پیش سعودی را به سوی ایران به عنوان عنصری تأثیرگذار بر معادلات حاکم بر سرزمین‌های اشغالی و پرهیز از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل سوق داده است.

از ملک عبدالله، حاکم پیشین سعودی به عنوان مبتکر طرح زمین در برابر صلح در جامعه بین‌المللی نام برده می‌شود؛ طرحی که بر مبنای آن و با خروج کامل صهیونیست‌ها از مناطق اشغالی ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شرقی، رژیم تل‌آویو از سوی جهان عرب به رسمیت شناخته خواهد شد. با این حال افکار عمومی جهان عرب و رهبران سعودی به این مساله واقفند که به‌رغم انعطاف‌های عظیم اعراب در برابر اسرائیل و آمریکا، فلسطینیان از دریافت کمترین حقوق خویش محروم مانده‌اند، از همین رو پادشاهی سعودی از مطالبه به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی در مقطع کنونی به وضوح فاصله گرفته و با نزدیکی به تهران، بر آن است ضمن دستیابی به راه‌حلی مشترک برای خاتمه بخشیدن به سیاست مشت اهتین صهیونیست‌ها در غزه، از آن به عنوان اهرم فشاری علیه آمریکا جهت تأمین حقوق حداقلی فلسطینی‌ها بهره‌برداری کند؛ رویکردی که با استقبال جمهوری اسلامی ایران همراه شده و انچه‌ان فرمودند، چنین سیاستی (تقویت همکاری‌های دوسویه) برای هر ۲ کشور مفید بوده و می‌تواند ریاض و تهران را به مکمل یکدیگر مبدل کند.